

تنش‌های سیاسی غرب آسیا و بازار جهانی نفت

(مطالعه موردی: ترور سردار سپهبد قاسم سلیمانی و ابو مهدی المهندس)

دریافت: ۱۳۹۸/ ۱۱ / ۳

سید عبدالله رضوی^۱

پذیرش: ۱۳۹۹/ ۳ / ۱۰

محمد نصر اصفهانی^۲

چکیده

انقلاب اسلامی معادلات نفتی از پیش تعیین شده کشورهای غربی را برهم زد. از جمله برنامه‌های راهبردی آمریکا، اعمال نفوذ و بر روی منابع نفت و گاز کشورهای نفت‌خیز و مدیریت آن از طریق بی‌ثبات‌سازی منطقه است. در این ارتباط، جبهه مقاومت برای ایجاد ثبات در منطقه شکل گرفته تا از این طریق، دخالت آمریکا تعدیل و کنترل شود. این مقاله با روش تحقیق توصیفی و تحلیلی در پی بررسی و پاسخ به این سؤال است که تأثیرهای شهادت رهبران مقاومت اسلامی و واکنش ایران به این اقدام بر بازار نفت و چشم‌انداز آتی پیشروی بازار نفت، چیست. ترور رهبران مقاومت از کدام کانال‌ها بازار نفت را متأثر می‌نمایند و همچنین مهم‌ترین برنامه آمریکا در حوزه انرژی پس‌از این اقدامات تروریستی در راستای تحقق اهداف آن‌ها در بازار نفت چیست. فرضیه مقاله حاضر عبارت بود از اینکه آمریکا با ترور رهبران مقاومت اسلامی در عراق به دنبال بی‌ثبات‌سازی کشورهای غرب آسیا به‌ویژه عراق و به تبع آن ایجاد ناامنی در تأسیسات نفتی و تصاحب سهم بازار این کشور و مقابله با نفوذ فزاینده ایران، بوده است. نتایج مقاله حاضر نشان می‌دهد که اقدام تروریستی آمریکا در راستای منافع و به‌ویژه تحقق برنامه انرژی آن در منطقه غرب آسیا بوده است. لذا آمریکا با توجه به برنامه گسترش تولید نفت و تبدیل شدن به یک صادرکننده خالص نفت در بازارهای بین‌المللی تا سال ۲۰۲۱ درصد حذف برخی از بازارهای نفت خام نظیر ایران، ونزوئلا و

Srazavi@put.ac.ir

^۱. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه صنعت نفت (نویسنده مسئول)

Mnasr121@gmail.com

^۲. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه خوارزمی

عراق است. بدین منظور، آمریکا در تلاش است با ایجاد بی ثباتی در منطقه، اقدام به ناامن سازی تأسیسات نفتی و تصاحب بازار کشورهای صادرکننده نفت غرب آسیا نماید.

واژگان کلیدی: ترور هدفمند، آمریکا، مقاومت اسلامی، بازار نفت، غرب آسیا.

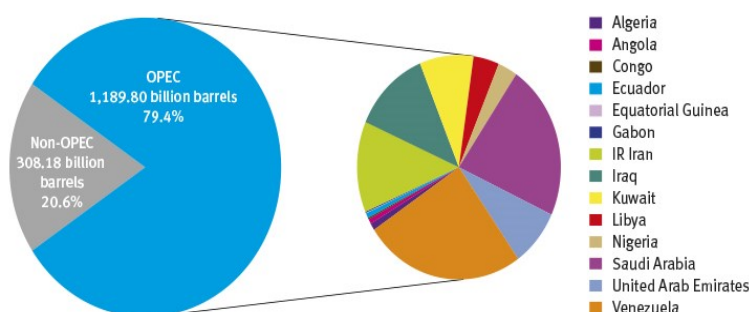
مقدمه

منطقه غرب آسیا با حدود ۶ درصد جمعیت جهان و به عنوان صادرکننده عمده نفت جهان یکی از مهم ترین مناطق جهان است. در این راستا می توان گفت روزانه ۲۴ میلیون بشکه از ۸۰ میلیون بشکه نفت مصرفی بازارهای جهانی از منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز عبور داده می شود. برآوردها نشان می دهد که حداقل تا ۲۰ سال آینده منطقه خلیج فارس همچنان قطب انرژی جهان خواهد بود (گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰۲۰). این منطقه در سال ۱۹۹۵ حدود ۱۵/۴ درصد نفت جهان را تأمین می کرد که این میزان در سال ۲۰۲۰ به ۴۱/۸ درصد افزایش خواهد یافت. ۴۵ درصد ذخایر اثبات شده جهان در منطقه خاورمیانه و به طور خاص در حاشیه خلیج فارس است و پیش بینی می شود با اکتشاف های جدید، این رقم افزایش یابد. به ویژه این که افزایش ظرفیت تولید در خاورمیانه موجب توسعه و تقویت مشارکت آن در بازار تجارت جهانی خواهد شد. پس از خاورمیانه، آمریکای شمالی با ۲۱۳ میلیارد بشکه ذخیره نفتی در جایگاه دوم قرار دارد. از زمانی که نفت در منطقه غرب آسیا کشف شد، این منطقه اهمیت استراتژیکی برای ابرقدرت ها پیدا کرد. با توجه به جایگاه نفت در اقتصاد کشورهای صنعتی، یکی از مهم ترین راهبردهای قدرت های غربی در قبال منطقه غرب آسیا، راهبرد مداخله ای است که پیامدهای منفی زیادی برای این منطقه داشته است (چشم انداز انرژی بی پی، ۲۰۱۹). بدون شک نفت یکی از منابع قدرت و درعین حال یکی از ارکان تأثیرگذار در معادلات قدرت منطقه غرب آسیا است. بین یک چهارم تا نیمی از جنگ های بین دولتی در غرب آسیا از سال ۱۹۷۳ به بعد به نفت وصل است. هدف از کنترل خلیج فارس، تسلط بر منابع نفت آن به عنوان یک اهرم قدرت است نه یک منبع سوخت. تسلط بر منطقه خلیج فارس به معنای مهار اروپا، ژاپن و چین است. این کار به ما قدرت کنترل باز کردن و بستن شیر نفت را می دهد. با توجه به جایگاه نفت در اقتصاد جهانی و به تبع آن قدرت ایالات متحده هرکسی بتواند نفت غرب آسیا را کنترل کند، نفت جهان را کنترل می کند و هرکسی نفت جهان را کنترل کند، اقتصاد جهانی را حداقل برای آینده نزدیک کنترل می کند (هاروی، ۲۰۱۴).

در این میان، نفت به عنوان کالایی راهبردی در بازار جهانی برای قدرت های سیاسی و اقتصادی جهان (مصرف کنندگان بزرگ) بسیار مهم و در صحنه بین الملل مطرح است. علیرغم ذخایر محدود نفت در کشور آمریکا، کشورهای اروپایی و ژاپن، این کشورها در مجموع بیش

از ۵۰ درصد نفت تولیدی جهان را مصرف می‌کنند و لذا عمده مصرف‌کنندگان نفت جهان محسوب می‌شوند. بنابراین، جهت حفظ ذخایر کشور خود برای سال‌های آینده و مقابله با بحران‌های آتی از سویی و حفظ سهم فزاینده خود از تولید جهانی نفت از جانب دیگر، این کشورها را (به رهبری آمریکا) بر آن داشته است که نسبت به کنترل تولید، مصرف و تعیین قیمت نفت اقدام کنند. این در حالی است که بر اساس برآورد اوپک در سال ۲۰۱۸ بیش از شصت درصد ذخایر نفت جهان در اختیار ۵ کشور حاشیه خلیج فارس و منطقه خاورمیانه است.

شکل (۱) مقایسه میزان ذخایر نفت کشورهای عضو و غیر عضو اوپک



منبع: گزارش ماهانه سازمان اوپک (Opec.com)

همچنین کشورهای در حال توسعه و نوظهور برای حفظ و افزایش رشد اقتصادی خود نیازمند نفت با قیمت‌های مطلوب هستند. تشکیل آژانس بین‌المللی انرژی و شرکت‌های چندملیتی نفتی و... از چندین دهه پیش اقدامی در تقابل با تجارت آزاد بوده است. همچنین با تغییر چهره سیاسی جهان، ابزارها و سازمان‌های نوینی شکل گرفته‌اند تا این هدف محقق شود (رضوی، ۱۳۹۸). در این میان وقوع انقلاب اسلامی ایران با توجه به حجم بالای ذخایر نفت و گاز، معادلات از پیش تعیین‌شده نفتی کشورهای غربی که عمدتاً در زمره مصرف‌کنندگان بودند را بر هم زد. اگرچه بیداری کشورهای اسلامی و مبارزه همگانی صادرکنندگان نفت علیه تسلط و حاکمیت شرکت‌های بین‌المللی و مصرف‌کنندگان غرب به بلوغ لازم نرسیده است، اما وضعیت کنونی نیز با دوران قبل از انقلاب قابل‌مقایسه نیست (داوند، ۱۳۹۷). در حال حاضر، ایستادگی و رویکرد مقاومت کشور ایران در مقابل کشورهای غربی در ابعاد مختلف از جمله حوزه نفت و گاز به بسیاری از کشورهای تولیدکننده نفت نیز

سرایت کرده و ریسک‌های ناشی از تأمین نفت را افزایش داده است. جبهه مقاومت که از سالیان گذشته در تلاش برای ایجاد امنیت داخل کشور و ثبات منطقه است تا از این طریق دخالت آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه - در راستای تأمین منافع نامشروع خود- در حوزه‌های مختلف اقتصادی به‌ویژه انرژی را کاهش دهند. یکی از روش‌های آمریکا در سال‌های گذشته تقویت گروه‌های تروریستی برای انجام جنگ‌های نیابتی در منطقه با هدف ایجاد اختلال در مدیریت تولید نفت در کشورهای منطقه و روند تولید آن در این کشورها بوده است. به‌عنوان نمونه، داعش یکی از این گروه‌ها است که پس از گسترش در کشورهای سوریه و عراق، در تلاش برای قاچاق نفت عراق با هدف تأمین نیازهای مالی این گروه تشکیل شده است (اقایی، ۱۳۹۵). در این دوران، کنترل برخی چاه‌های نفت در میدان آجیل شمالی عراق (بین عراق و اقلیم کردستان) توسط داعش صورت می‌گرفت. بر همین اساس این گروه تروریستی ۷۵ درصد از میدان نفتی السدوم و همچنین میدان نفتی حمیرین را در اختیار داشتند. داعش در سال ۲۰۱۴ در حمله‌ای غافل‌گیر کننده این دو میدان نفتی را اشغال کرد. نیروهای مردمی این کشور توانسته‌اند کنترل موصل را از داعش باز پس گیرند. اما این گروه تروریستی مدیریت منابع نفتی دو میدان یادشده از شهر هویجه در نزدیکی شهر کرکوک را نیز در اختیار داشت (زارعان، ۱۳۹۷). داعش در اوایل ورود به عراق توانسته بود از شبکه قاچاق نفتی که در دوره صدام و در زمان تحریم نفت عراق شکل گرفته بود برای قاچاق نفت این کشور استفاده کند. در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ و زمان اوج حضور داعش در عراق این گروه تروریستی توانسته بود ماهانه ۵۰ میلیون دلار از صادرات نفت، درآمد کسب نماید که با توجه به شکست‌های متعدد این گروه از گروه‌های مقاومت اسلامی، این رقم به کمتر از ۱۰ میلیون دلار در ماه کاهش یافته و در نهایت به‌طور کامل متوقف گردید. نیروهای مردمی و مقاومت عراقی کنترل شرکت‌های نفت شمال و گاز طبیعی و چاه‌های نفت مهمی مانند باباگورگور، بای حسن شمالی و جنوبی، آوانا، جمبور و خباز واقع در کرکوک را بدون هیچ درگیری از گروه‌های پیشمرگه گرفته و به کنترل خود درآورده بودند. براین اساس منافع آمریکا به‌عنوان یکی از بازیگران - که در تقویت داعش نیز نقش مهمی ایفا نموده است - با مقاومت اسلامی در منطقه با تعارض روبرو گردیده است. در این میان، حمله تروریستی آمریکا و به دنبال آن، شهادت سپهبد قاسم سلیمانی و ابو مهدی المهندس، از رهبران جبهه مقاومت، توسط دولت آمریکا نقطه عطفی در تحولات منطقه غرب آسیا محسوب می‌گردد.

سؤال اصلی تحقیق این است که ترور رهبران مقاومت اسلامی از کدام کانال‌ها، بازار نفت را متأثر می‌نمایند و همچنین مهم‌ترین برنامه آمریکا در حوزه انرژی پس‌از این اقدامات تروریستی در راستای تحقق اهداف خود در بازار نفت چیست. فرضیه مقاله عبارت است از اینکه آمریکا با ترور رهبران مقاومت اسلامی در عراق به دنبال بی‌ثبات‌سازی کشورهای غرب آسیا به‌ویژه عراق و به تبع آن ایجاد ناامنی در تأسیسات نفتی، تصاحب سهم بازار این کشور و مقابله با نفوذ فزاینده ایران است؛ البته باید اذعان نمود که برنامه آمریکا طی چند دهه قبل حفظ سلطه بر منطقه خاورمیانه و کنترل منابع انرژی آن بوده است که با اقدامات تروریستی آمریکا، قدرت و نفوذ آن در حال تغییر است. آمریکا در دوره ریاست جمهوری ترامپ علاوه بر اقدامات و راهبردهای پیش‌گفته که طی دهه‌های گذشته آن‌ها را به اجرا گذاشته است، با تمرکز برافزایش تولید سوخت‌های فسیلی به‌ویژه نفت و گاز و استقلال انرژی آمریکا و حتی کسب سهم بیشتر از بازار صادراتی نفت، به یکی از بازیگران اصلی این بازار تبدیل شده است. همچنین از این طریق درصدد است نقش تولیدکنندگان اوپک نظیر ایران، عراق و ... را در بازار نفت کم‌رنگ و بی‌اثر نماید. از آنجاکه حضور شرکت‌های بین‌المللی غربی به‌ویژه آمریکایی در عراق در سال‌های اخیر قابل‌توجه بوده است، با بروز حادثه تروریستی اخیر توسط دولت آمریکا و به شهادت رساندن رهبران گروه مقاومت اسلامی در عراق و واکنش جمهوری اسلامی ایران به این رخداد، تحلیل پیامدها و آثار این واقعه و چشم‌انداز پیش روی بازار بین‌المللی نفت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

پیشینه تحقیق

سوابق مطالعات داخلی

داوند و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا» به بررسی گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی در منطقه غرب آسیا پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ارزش‌ها و بنیان‌های اعتقادی مقاومت در منطقه غرب آسیا گسترش یافته و هنجار مقاومت مبنی بر خودآگاهی سیاسی، رواج فرهنگ شهادت و غیره و همچنین ابعاد غیرمستقیم در تحقق نشر ابعاد معنایی مقاومت اسلامی، میان جوامع غرب آسیا نهادینه شده است.

صفوی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل تاثیر داعش بر معادلات سیاسی - امنیتی خاورمیانه» به بررسی تأثیرات ظهور داعش در سوریه و عراق بر معادلات سیاسی امنیتی و تحولات قدرت در خاورمیانه پرداخته است. با توجه به نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک، متغیر ثابت این پژوهش، داعش و متغیر وابسته آن تحولات قدرت در منطقه خاورمیانه در نظر گرفته شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد اولین و مهم‌ترین پیامد ظهور گروه تروریستی داعش در غرب آسیا، تضعیف جبهه مقاومت در مقابل رژیم غاصب اسرائیل است. اول آنکه با افزایش تعداد گروه‌های تروریستی در خاورمیانه، توان گروه‌های حامی محور مقاومت صرف مقابله با آن‌ها می‌شود. دوم آنکه ظهور داعش موجب افزایش شکاف سنی و شیعه و اختلافات داخلی در جهان اسلام و در نهایت به نفع رژیم غاصب اسرائیل شده است. پیامد دیگر حضور داعش افزایش اسلام‌هراسی در جهان است. از سویی دیگر بحران داعش موجب تأثیرات منفی بر اقتصاد و توسعه در منطقه شده است. بر این اساس تحلیل رفتن منابع مالی کشورهای غرب آسیا باعث عقب افتادن آن‌ها از روند توسعه اقتصادی و صنعتی گردیده است.

شاه ولی بر (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «علل و ابعاد تصاعد بحران در غرب آسیا» به بررسی علل افزایش بحران در این منطقه با تأکید بر نظریه گفتگوی تمدن ساموئل هانتینگتون پرداخته است. روند بحران‌زایی در دهه‌های گذشته در غرب آسیا به شکل‌های مختلفی ظهور و بسط یافته و با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده است که از جمله آن‌ها قدرت‌گیری حکومت‌های حاصل از کودتاهای نظامی در برخی از کشورها و همچنین نظام‌های پادشاهی سلطنتی در برخی دیگر، جنگ میان اعراب و اسرائیل، جنگ ایران و عراق به‌عنوان طولانی‌ترین جنگ متعارف کلاسیک در قرن بیستم، ادامه روند رقابتی دو ابرقدرت و ظهور ورشو و ناتو به‌عنوان بازوهای نظامی، حمله شوروی به افغانستان و در پایان فروپاشی شوروی به‌عنوان یکی از قطب‌های دوگانه و پایان یافتن دوران جنگ سرد را می‌توان از عمده‌ترین عواملی دانست که بر تحولات منطقه غرب آسیا تا دهه ۹۰ میلادی اثرگذار بودند. تنها اندک زمانی پس از فروپاشی شوروی، ساموئل هانتینگتون با ارائه نظریه «برخورد تمدنی» خود اعلام کرد که برخورد آینده نه به شکل جنگ میان دولت‌ها، بلکه به شکل برخورد میان تمدن‌ها رخ خواهد داد. به دنبال آن تحولاتی از قبیل ظهور جریان‌های تندرو و تروریستی،

حمله آمریکا به افغانستان و عراق و در نهایت وقوع تحولات موسوم به بهار عربی را می‌توان به‌عنوان مصادیق اثرگذار بر منطقه غرب آسیا نام برد.

طاهری فر و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی نقش عراق در تحولات آتی بازار جهانی نفت به بررسی کشور عراق در جمع پنج کشور دارنده بیشترین ذخایر نفت خام و ۱۵ کشور دارنده ذخایر گاز جهان قرار دارد برنامه ۱۰ ساله توسعه میادین نفت و گاز این کشور از سال ۲۰۰۸ آغاز شده و تاکنون ۴ دور مناقصه طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ برگزار نموده است تولید نفت این کشور در سال ۲۰۱۲ به ۳,۲ میلیون شبکه در روز رسید و این کشور با پیشی گرفتن از ایران به سومین صادرکننده نفت جهان تبدیل شد نا اطمینانی جدی در خصوص حجم ذخایر و تولید نفت خام عراق وجود دارد و منابع مختلف آمار متفاوتی را ارائه می‌کنند عراق برای توسعه میادین نفتی خود با چالش‌های جدی روبه‌رو است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از کمبود پایانه‌های صادراتی کمبود برق کمبود آب برای تزریق به میادین نفتی ناامنی محدودیت‌های حفر چاه و سایر تأسیسات بالادستی ابهامات حقوقی و قانونی محدودیت‌های نیروی انسانی متخصص و عدم تأمین مالی کافی حضور مؤثر و متعدد شرکت‌های چینی در میادین عراق به‌خوبی نشان‌دهنده توجه ویژه و راهبردی چین به منابع هیدروکربوری عراق برای تأمین مصارف آینده این کشور است این مسئله می‌تواند موجب شود تا به تدریج نفت عراق جایگزین نفت ایران در چین گردیده و راهبرد انرژی چین از ایران به سمت عراق متمایل شود.

رفیع (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان تحول نقش نفت در تقابل سیاسی خاورمیانه اسلامی و غرب به بررسی حمایت غرب از ایجاد اسرائیل و اشغال سرزمین‌های عربی توسط این رژیم، یکی از اساسی‌ترین عواملی بوده که به تقابل سیاسی بین خاورمیانه اسلامی و غرب دامن زده است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که اروپا با سلاح بایکوت خرید نفت به مقابله با کشورهای نفتی خاورمیانه می‌پردازد، مقابله‌ای که در بایکوت نفتی عراق پس از جنگ کویت، و بایکوت خرید نفت جمهوری اسلامی ایران در رابطه با پرونده هسته‌ای این کشور از این قبیل موارد است.

درخشان (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان امنیت انرژی و تحولات آینده بازارهای نفت و گاز به بررسی و امکان‌پذیری ابعاد جدیدی از بازار نفت و گاز و نقش آن‌ها در امنیت انرژی

پرداخته است. با استفاده از روش توصیفی سیاست‌های سرمایه‌گذاری کشورهای بزرگ مصرف‌کننده نفت خام و وابستگی اروپا به منابع نفت و گاز روسیه را در قالب رویکرد جدید خاورمیانه مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که علی‌رغم آمارهای خوش‌بینانه از توازن عرضه و تقاضای نفت و گاز متعارف در میان مدت و بلندمدت کشورهای مصرف‌کننده بزرگ نظیر چین در معرض عدم امنیت انرژی در بلندمدت قرار می‌گیرند.

هوشنگی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای شوک نفتی به وجود آمده بر اثر وقوع انقلاب اسلامی ایران را بررسی نموده و با این فرض که این مسئله تنها عامل برهم خوردن بازار عرضه و تقاضای آن نبوده است، بلکه بیش از هر چیز ایدئولوژی بیدارگرانه و ضد استعماری انقلاب اسلامی بود که می‌توانست به راحتی در سراسر کشورهای اسلامی و نیز سایر کشورهای استعمارزده نفت‌خیز سرایت کند. ایدئولوژی کمونیستی به خاطر ماهیت الحادی خود قادر نبود در کشورهای نفت‌خیز اسلامی، نیروی مبارزه نفتی با غرب ایجاد کند؛ اما انقلاب اسلامی ایران می‌توانست انرژی غرب را در بحران و کابوسی همیشگی فروبرد. هرچند بیداری کشورهای اسلامی و مبارزه همگانی صادرکنندگان نفت علیه چپ‌ولگری غرب به بلوغ و کمال مورد نظر نرسیده است، وضعیت کنونی با دوران قبل از انقلاب مقایسه‌شدنی نیست. در حال حاضر روحیه شجاعت و ایستادگی ایران انقلابی به بسیاری از کشورهای نفت‌خیز سرایت کرده و برای غرب خطرهای بالقوه‌ای به وجود آورده است. در مقاله حاضر به تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر وضعیت بین‌المللی نفت توجه شده است.

سوابق مطالعات خارجی

ماقیره و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحت عنوان عدم اطمینان قیمت نفت و رشد تولید واقعی: شواهد از کشورهای منتخب واردکننده نفت در خاورمیانه شواهد تجربی در مورد تأثیر نوسانات قیمت نفت و عدم اطمینان از فعالیت اقتصادی واقعی در اردن و ترکیه با داده‌های سری زمانی طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۸۶ را مورد ارزیابی قرار داده و با استفاده از روش رگرسیون خود توضیحی برداری تأثیر عدم اطمینان قیمت نفت را بر اقتصاد کشورهای مذکور، را مورد بررسی قرار می‌دهد نتایج این مقاله نشان می‌دهد که عدم اطمینان بازار نفت تأثیر منفی بر تولید صنعتی اردن و ترکیه دارد. برای مثال، افزایش یک واحد عدم قطعیت

قیمت نفت موجب به ترتیب کاهش ۰,۸۱٪ و ۱,۰۱٪ در تولید صنعتی اردن و ترکیه گردیده است.

چآرانی^۱ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر قیمت نفت بر بازارهای سهام: شواهد جدید، بعد از بهار عربی در اقتصاد شورای همکاری خلیج فارس به بررسی تحولات سیاسی کشورهای حوزه خلیج فارس بر روی شاخص بازار سهام این مطالعه به بررسی تأثیر نوسانات قیمت سهام در بورس سهام در شش کشور در شورای همکاری خلیج فارس (در حین و پس از درگیری‌های ژئوپلیتیک می‌پردازد. در عربستان سعودی، کویت و بحرین نوسانات منفی قیمت نفت تأثیر بیشتری بر بازده بازارهای سهام نسبت به نوسانات مثبت قیمت نفت دارد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که عدم ثبات سیاسی باعث افزایش حساسیت بازده بازارهای سهام به شوک‌های منفی قیمت نفت می‌شود. سطح بالایی از شوک‌های قیمت نفت نسبت به شوک‌های کوچک قیمت نفت تأثیر بیشتری بر بازده سهام عمان دارد.

فرجی (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر احتمالی تحریم‌های نفتی بر هزینه‌های نظامی و دموکراسی در خاورمیانه این مطالعه به بررسی چگونگی تأثیر شوک‌های نفتی منفی (به دلیل تحریم‌های نفتی) را در دوره زمانی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ بر هزینه‌های نظامی و کیفیت دموکراسی در کشورهای نفت غرب خاورمیانه می‌پردازد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که نهادهای سیاسی و شاخص‌های مختلف دموکراسی مانند انتخابات، مشارکت، مشورتی و مساوات در کاهش رانت نفت مثبت و معنادار بر روی شاخص‌های اقتصادی، درحالی‌که پاسخ هزینه‌های نظامی منفی و قابل توجه است. علاوه بر این، تغییرات در قیمت نفت و اوضاع سیاسی بخش‌های قابل توجهی از تغییر هزینه‌های دفاعی در کشورهای خاورمیانه را توضیح می‌دهد که دلالت بر این دارد که مخارج دفاعی به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر نوسانات قیمت نفت و کیفیت سیستم سیاسی در خاورمیانه است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در تمام مطالعاتی که تاکنون در حوزه غرب آسیا و بازار نفت انجام شده، تمرکز بر روی تحریم‌ها، آثار شوک‌های نفتی، روند تولیدات نفت و گاز و نقش مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا داشته است. این در صورتی است که مقاله حاضر برای اولین بار تأثیرات تنش‌های غرب آسیا و بازار جهانی نفت با تأکید بر ترور سردار سپهر

قاسم سلیمانی و همراهان را با استفاده از نظریات اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

چارچوب نظری

در ابتدا مروری بر ترورهای رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا و همکاری‌های آن‌ها مورد بررسی گردیده و سپس بر روی نظریه مرتبط که بر مؤلفه‌های اقتصادی متمرکز گردیدند، جهت تحلیل پرداخته شده است.

الف- ترور هدفمند

آمریکا تا حدودی در راهبرد فشار حداکثری با چالش روبه‌رو شده است و به تبع آن قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی آن کشور نیز با چالش روبرو خواهد شد و همین‌طور جایگاه آن در موازنه قوا و معادلات منطقه‌ای با تنزل روبه‌رو خواهد شد. در این وضعیت آمریکا به سمت راهبردهای زودبازده‌تر و کم‌هزینه‌تر امنیتی پیش می‌رود و سعی می‌کند تحولات را به نفع خود پیش ببرد. آمریکا به همراه متحدین منطقه‌ای‌اش در حوزه امنیت در چند سال اخیر تمرکز خود را بر راهبرد جنگ سرد فرسایشی قرار داده بوده تا بدین وسیله جمهوری اسلامی ایران را به تدریج تضعیف نماید و اهداف خویش را در تغییر ماهیت این نظام پیش ببرد. به نظر می‌رسد اگر قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران افزایش یابد، این راهبرد با شکست جدی روبرو خواهد شد. به همین دلیل آمریکا به تغییر راهبرد و تقویت دیگر راهبردها روی خواهند آورد. در این راستا دستگاه‌های امنیتی آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش با استفاده از پتانسیل‌های خود راهبرد جنگ کثیف را بیش‌ازپیش در مرکز توجه قرار می‌دهند؛ به گونه‌ای که با ایجاد، تقویت و حمایت مالی از گروه‌ها و هسته‌های تروریستی در مناطق ایران و همچنین ترور هدفمند، سعی در تولید ناامنی خواهند داشت تا با این وسیله ضمن درگیر کردن جمهوری اسلامی ایران به مباحث امنیتی و بالا بردن هزینه‌های امنیتی، انحراف از اهداف اصلی و تغییر اولویت‌های آنان را زمینه‌سازی کنند. افزایش عملیات‌های انتحاری، ترور نخبگان سیاسی و نظامی و تخریب زیرساخت‌ها در راستای این راهبرد صورت می‌گیرد. (See: Scahill, 2013)

همان‌طور که بیان شد ترور هدفمند یکی از مصادیق جنگ کثیف است که به عقیده اکثر کارشناسان رژیم صهیونیستی مبدع و کاربر اصلی آن محسوب می‌شود. ترورهای هدفمند که

در خلال انتفاضه دوم و پس از آن به بخش مهمی از رویکرد دفاعی همه‌جانبه در مقابله با مبارزان فلسطینی تبدیل شد، در رژیم اشغالگر قدس ریشه‌ای تاریخی دارد که در دهه ۷۰ به شکل نظام‌مندی به‌ویژه از سوی نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی هم در لبنان و هم در اراضی اشغالی دنبال شد. در سال ۲۰۰۲ رژیم صهیونیستی برای اولین بار به‌طور رسمی انجام ترورهای هدفمند را پذیرفت. در هر صورت با توجه به آمار و ارقام واضح است که ترورهای هدفمند نزد رژیم صهیونیستی بسیار جذابیت دارد به‌گونه‌ای که در خلال حدود ۷۰ سال موجودیت این رژیم تا سال ۲۰۱۸، ۲,۷۰۰ ترور هدفمند توسط رژیم صهیونیستی به انجام رسیده است. (برگمن، ۲۰۱۸)

زیربنای تفکر ترورهای هدفمند این است که «ابعاد فردی انسان‌ها در انجام فعالیت‌های آن‌ها به‌طور خاص نقش مهمی را بازی می‌کند. اگرچه هرکسی می‌تواند جایگزینی داشته باشد اما میان جابجا شدن یک فرد با جرئت با فردی که دارای ویژگی‌های کم‌تری است، تفاوت به سزایی وجود دارد». در واقع، کاربران ترور هدفمند با رویکردی عملیات محور اطلاعات خود را مدیریت کرده و در نتیجه ترورهای هدفمند را به انجام می‌رسانند. در این رویکرد، تلاش می‌شود با ترورهای هدفمند، حداقل تا حد ممکن از قوام‌یافتن تشکلات و اتحادهای احتمالی در جبهه حریف کاسته شده و تهدید، درگیر سندروم حوادث جاری شود. با این نگاه کاربران این نوع ترور راه‌حل خود را در توسل به ترورهای هدفمند جستجو کرده‌اند.

همواره همکاری اطلاعاتی میان دو ساختار ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به‌صورت رفت و برگشتی وجود داشته است. گاهی ایالات متحده نقش بازیگر و رژیم صهیونیستی نقش مدیر را بازی کرده است و گاهی دیگر برعکس.

به نقل از راشاتودی، اسناد جدیدی که در خصوص فعالیت آژانس امنیت ملی آمریکا (ان اس ای) منتشر شده است، از همکاری‌های اطلاعاتی این عضو جامعه اطلاعاتی آمریکا با رژیم اشغالگر قدس به‌ویژه علیه حزب‌الله لبنان حکایت دارد. این همکاری‌ها در جنگ رژیم صهیونیستی با لبنان در سال ۲۰۰۶ اوج گرفت و صهیونیست‌ها با استفاده از اطلاعات به‌دست‌آمده از آمریکا دست به انجام ترورهای هدفمند متعددی زدند. به نوشته راشاتودی، حزب‌الله یکی از هدف‌های رژیم صهیونیستی، در ترورهای هدفمندی بوده که اطلاعات آن

توسط آمریکا در اختیار تل آویو قرار گرفته بود؛ بنابراین هدف‌گیری (جمع‌آوری در همه انواع) عمدتاً از سوی سیا و ان اس ای انجام و شلیک (اقدام عملیاتی) توسط موساد انجام شد. تنها نفر باقی‌مانده از مثلث شهید عماد مغنیه، ژنرال سلیمان (ژنرال ارشد سوری) و سپهد سلیمانی، سپهد سلیمانی بود که آمریکا موفق شد ایشان را ترور کند. در زمان اوپاما، وی با هدف‌گذاری بر روی سپهد سلیمانی برای ترور به دو جهت موافق نبوده است، همان نگرانی سابق که نسبت به شهادت عماد مغنیه وجود داشته است کماکان در ترور احتمالی سپهد سلیمانی و حتی به مراتب بیشتر وجود دارد و مهم‌تر این‌که اوپاما به دنبال تلاش برای مذاکرات بوده که در نهایت منجر به برجام می‌شود. ترس از برهم خوردن مذاکرات، آمریکا را برای همکاری مشترک با رژیم صهیونیستی در این موضوع بر حذر می‌داشت. هنگامی که ترامپ به مسند ریاست جمهوری تکیه زد، در اول گام، برجام را پاره کرد. حال نگرانی‌های آمریکا در خصوص برهم خوردن مذاکرات سیاسی از میان برداشته شده است. رژیم صهیونیستی که اشتیاق جنون‌آمیزی نسبت به ترور هدفمند تهدیدات خود دارد، زمینه ترور سپهد سلیمانی را مناسب می‌بیند. اما مسئله اینجاست که در این مرحله بنا به مسائل امنیتی مدنظر رژیم صهیونیستی، این رژیم از اقدام تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی ایران به شدت نگران و مطمئن است هرگونه اسائه ادبی، پاسخی دردناک در پی خواهد داشت بنابراین در یک همکاری مشترک با ایالات متحده، مقرر می‌شود رژیم صهیونیستی با توجه به توانایی خود در حوزه هیومینت، مسئول هدف‌گیری عملیات (جمع‌آوری اطلاعات با همکاری سیا و ان اس ای) به‌ویژه در امر اطلاعات انسانی شود و حال ایالات متحده نقش ماشه را عهده‌دار شود. مشابه برنامه‌ای که در ترور در شهید مغنیه رقم خود و تنها عناصر فعال در ترور جابجا شدند (برگمن، ۲۰۱۸).

ب- نظریات اقتصادی مورد استفاده برای تحلیل کانال‌های اثرگذاری ترور در بازار جهانی

نفت

سیاست‌گذاری اقتصاد سیاسی نفت در سطح بین‌المللی به‌گونه‌ای است که سیاست‌های راهبردی و اقداماتی همانند تحریم، موازنه درآمدهای ناشی از فروش نفت و رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت بر اساس ضرورت‌های نظام جهانی شکل می‌گیرد، چنین فرایندی به‌مثابه آن است که قیمت نفت بر اساس ضرورت‌ها و نشانه‌های اقتصاد جهانی مورد ارزیابی

قرار گیرد و این گونه نشانه‌ها به این مفهوم است که نفت در زمره کالاهای راهبردی اقتصاد جهانی و همچنین بازار جهانی کالا قرار دارد. سیاست‌گذاری اقتصاد نفتی، آثار خود را در حوزه‌های مختلف اقتصادی به جا می‌گذارد.

از منظر برخی از نظریه‌پردازان روابط و امنیت بین‌الملل، اقتصاد جهانی تابعی از ضرورت‌های امنیت ملی قدرت‌های بزرگ و نیازهای سیاست بین‌الملل است. در این زمینه تمرکز نظریه‌پردازانی نظیر کارل بر اقتصاد سیاسی نفت بوده و هرگونه بحران، تروریسم، شورشگری و منازعات منطقه‌ای را ناشی از ناکارآمدی دولت نفتی و نیاز نظام جهانی به اقتصاد نفتی می‌داند. تری لین کارل تلاش دارد تا رابطه‌ای ساختارمند بین اقتصاد، سیاست و امنیت جهانی ایجاد کند. روندهای موجود اقتصاد جهانی معطوف به فرایندی است که بر اساس آن هر بحران منطقه‌ای می‌تواند بر معادله بازارهای جهانی تأثیرگذار باشد (کارل، ۱۳۹۰: ۱۴).

برنامه‌ریزی اقتصادی سیاسی نفت در تفکر راهبردی آمریکا بر اساس رویکرد تحلیل سیستمیک انجام می‌گیرد. تحلیل سیستم‌ها برای تشریح توسعه و استفاده از مدل‌های کمی برای تصمیم‌سازی استفاده می‌شود. البته سیستم‌ها به شکلی پویا و دائمی در حال تغییر هستند و بازیگران مختلفی در هر سیستم به ایفای نقش می‌پردازند. بنابراین، سیاست‌گذاری اقتصاد سیاسی نفت نیز تابعی از شاخص‌های نگرش سیستمیک تلقی می‌شود (شافریتز و دیگران، ۲۰۱۲).

از نظر ایننگر (۲۰۰۷)، شاخص‌های تشکیل‌دهنده اقتصاد سیاسی انرژی بیانگر آن است که همواره موضوع نفت و انرژی از عوامل تأثیرگذار بر اقتصاد جهانی، منطقه‌ای و ملی تلقی می‌شود. امنیت انرژی یکی از شاخص‌های اصلی اقتصاد و سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. فرایند برنامه‌ریزی بازیگران مسلط در نظام جهانی به گونه‌ای شکل گرفته است که به موجب آن، امنیت انرژی از قابلیت لازم برای اثربخشی بر نحوه رفتار سیاسی و اقتصاد کشورها به‌ویژه قدرت‌های بزرگ برخوردار است. لذا سیاست‌های ترامپ که در حوزه انرژی اجرا می‌شود را می‌توان به‌عنوان بخشی از نگرش نظام‌مند به اقتصاد سیاسی نفت دانست. ضرورت کنترل منابع ایجاد می‌کند که چنین بازیگرانی بتوانند از ابزار انرژی برای کنترل سیاست و امنیت بین‌الملل استفاده کنند (مصلی نژاد، ۱۳۹۱).

نظریات اقتصادی فوق را از رویکردی دیگر، می‌توان به‌صورت ذیل جمع‌بندی نمود (کافمن، ۲۰۱۰):

۱- عوامل بنیادی

به‌طور کلی می‌توان گفت که عوامل بنیادی تأثیرگذار بر بازار عواملی را شامل می‌گردند که ریشه در صنعت نفت داشته و به‌طور مستقیم مرتبط با مسائل بازار نفت باشد و در نهایت عرضه و تقاضای نفت را تحت تأثیر قرار دهند. این عوامل به‌طور کلی بدین شرح می‌باشند: وضعیت تقاضای جهانی نفت خام، تغییرات و اختلالات در عرضه جهانی نفت خام، وضعیت رشد اقتصادی، ظرفیت مازاد تولید و... همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، متغیرهای متفاوتی را می‌توان به‌عنوان عوامل بنیادی اثرگذار بر قیمت‌های نفت خام عنوان کرد. به‌طور کلی می‌توان گفت که این عوامل به‌نوعی می‌توانند منجر به بروز اختلال در روند عادی عرضه و یا تقاضای نفت خام گردیده و از این طریق بر قیمت‌های نفت خام اثرگذار باشند. به‌طور مثال هر عاملی که منجر به کاهش عرضه نفت خام‌های ترش گردد، نظیر کاهش سقف تولید اعضاء اوپک که بخش عمده‌ای از نفت خام‌های ترش توسط اعضاء این سازمان تولید می‌شود، منجر به افزایش قیمت این نفت خام‌ها و یا کاهش اختلاف قیمت بین آن‌ها و نفت خام‌های شیرین می‌گردد و برعکس. بالا بودن سطح ذخیره‌سازی‌ها منجر به عدم تمایل به خرید بیشتر و در نتیجه سطح قیمت پائین تر می‌گردد. چراکه در این حالت، خرید نفت خام توسط مصرف‌کنندگان، به حالتی اختیاری تبدیل می‌شود، درحالی‌که در وضعیت پایین بودن سطح ذخیره‌سازی‌ها، خرید برای خریداران به حالتی اجباری تبدیل شده که این به معنی تقاضای بالقوه بیشتر و قیمت‌های بالاتر است. بدیهی است که این عوامل دارای اثرات یکسان و مشابه نبوده و متناسب با نقش خود از ضریب تأثیرگذاری متفاوتی نیز برخوردارند. به‌عبارت دیگر برخی از عوامل یادشده، نظیر تغییرات در عرضه و تقاضا و رشد اقتصادی را می‌توان جزء عوامل اصلی و برخی دیگر را در زمره عوامل فرعی قلمداد نمود.

۲- عوامل غیر بنیادی

عوامل غیر بنیادی مؤثر در بازار نفت به عواملی اطلاق می‌گردند که در عمل منشأ و بروز آن‌ها خارج از صنعت نفت بوده اما به‌تناسب شرایط می‌توانند بر قیمت‌های نفت خام حتی گاه بیش از عوامل بنیادی نیز اثرگذار باشند. از این جمله می‌توان این موارد را ذکر نمود: اقدامات سفته‌بازی برای کسب سود بیشتر در بازارهای بورس نفتی، تغییرات در نرخ اسعار،

وضعیت بورس سایر کالاها و بروز اعتصاب، جنگ و غیره که موجب اختلالات در عرضه نفت می‌گردند.

با توجه به مجموعه عوامل یادشده ملاحظه می‌گردد که عوامل بسیاری را می‌توان در بازار نفت خام مؤثر دانست. درحالی‌که چنین وضعیتی معمولاً در مورد کالاهای دیگر مشاهده نمی‌گردد. این وضعیت از آنجا نشئت می‌گیرد که به‌طور کلی و بر اساس نظریه کلاسیک بازار، قیمت یک کالا در بازار رقابت کامل یعنی در حالتی که اطلاعات کامل از مقدار دقیق و زمان تولید کالا در بازار وجود داشته و عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان متعدد مانع از بروز اختلالات قیمتی می‌گردند، با توجه به هزینه‌های نهایی تولید آن کالا و در حالت تعادل عرضه و تقاضا برای آن، تعیین می‌گردد (پیندایک، ۱۹۸۷).

در این مقاله با استفاده از رویکرد کارل که مبتنی بر ترکیب مؤلفه‌های اقتصادی و سیاسی است، کانال‌های اثرگذار راهبردهای ترامپ در حوزه انرژی بر بازار نفت ایران بررسی می‌شود. بر اساس مفاهیم ذکرشده مؤلفه‌های اقتصادی مربوط به حوزه عرضه و تقاضای نفت در چارچوب عوامل بنیادین و مسائل سیاسی در حوزه عوامل غیر بنیادین مورد تجزیه تحلیل قرار می‌گیرد که در این صورت می‌توان گفت ترکیب عوامل بنیادین و غیر بنیادین (ارتباط عوامل سیاسی و اقتصادی) در تحلیل کانال‌ها موردبررسی قرار گرفته است.

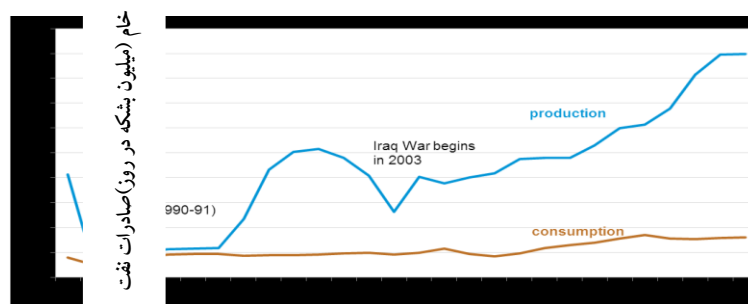
۳- وضعیت نفت کشور عراق

عراق دومین تولیدکننده بزرگ نفت خام در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) پس از عربستان است و پنجمین ذخایر نفت خام اثبات‌شده جهان را در اختیار دارد. در ابتدای سال ۲۰۱۸ ذخایر نفت خام اثبات‌شده آن نزدیک به ۱۴۹ میلیارد بشکه بوده که این میزان ۱۸ درصد از ذخایر اثبات‌شده در خاورمیانه و تقریباً ۹ درصد از ذخایر جهانی را به خود اختصاص داده است. بسیاری از میادین نفتی واقع در سواحل این کشور، در حال تولید یا توسعه می‌باشند. رشد تولید نفت خام عراق از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ به‌طور متوسط در حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز و در سال ۲۰۱۷ به‌طور متوسط ۴/۴ میلیون بشکه در روز بوده است. در نیمه اول سال ۲۰۱۸، تولید نفت خام عراق در حدود ۴/۴۵ بود. این برآوردهای تولید نفت با افزودن نفت منطقه کردستان عراق - منطقه نیمه شرقی شمال شرقی عراق - که تحت تسلط دولت مختار کردستان است، به دست می‌آید.

اقتصاد عراق به شدت به درآمد حاصل از صادرات نفت خام وابسته است. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، میزان ۸۹ درصد از درآمد این کشور در سال ۲۰۱۷ از درآمد صادرات نفت خام عراق تأمین شده است. در سال ۲۰۱۷، عراق (به استثنای دولت خودمختار کردستان) تقریباً ۶۰ میلیارد دلار درآمد حاصل از صادرات نفت خام داشته که ۱۶ میلیارد دلار بیشتر از سال ۲۰۱۶، (به دلیل افزایش قیمت نفت و اندکی افزایش حجم صادرات) به دست آورد. تشدید اختلافات و منازعات دولت مرکزی عراق با دولت خودمختار در خصوص مالکیت و مسائل حقوقی ذخایر، بحث و جدال بین قومی و گروه‌های کرد در ژوئیه سال ۲۰۱۸، از موانع مهم در چالش‌های حوزه انرژی محسوب می‌گردد. همچنین سیاست‌های تولید نفت اقلیم نیمه‌مستقل کردستان عراق با دولت مرکزی هماهنگ نیست (اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۱، ۲۰۲۰).

متوسط مصرف نفت و مایعات گازی عراق در سال ۲۰۱۸، حدود ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار بشکه در روز برای مصارف آن در تولید برق و پالایشگاه‌های داخلی این کشور بوده که میزان مصرف آن طی یک دهه گذشته به‌طور متوسط ۶ درصد در سال رشد داشته است. بیشتر نیازهای فرآورده‌های نفتی این کشور توسط پالایشگاه‌های داخلی آن تأمین می‌شود. با این حال، عراق برخی فرآورده‌های نفتی، از جمله سوخت دیزل، بنزین و نفت سفید را از طریق واردات تأمین می‌کند.

نمودار (۱) روند تولید و مصرف نفت عراق طی سال‌های (۱۹۹۰-۲۰۱۸)

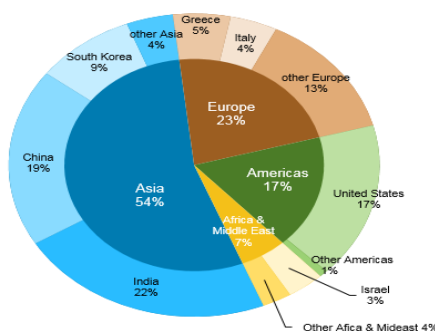


منبع: اداره اطلاعات انرژی آمریکا (eia.com)

متوسط صادرات نفت خام عراق که عمدتاً شامل نفت خام‌های سبک و سنگین بصره در سال ۲۰۱۸ است، حدود ۳/۸ میلیون بشکه در روز از طریق پایانه‌های جنوبی بوده که تقریباً

۸۸ درصد صادرات نفت آن را تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین مشتریان نفت عراق در بازار آسیا قرار دارند و شامل کشورهای هند، چین و کره جنوبی است که سهم ۵۴ درصدی از کل صادرات نفت خام عراق را در سال ۲۰۱۸ تشکیل داده است. میزان صادرات روزانه نفت خام عراق به هند حدود ۸۱۶ هزار بشکه است (۲۲ درصد از کل). ایالات متحده بیشترین واردات از نفت خام عراق (حدود ۶۰۲ هزار بشکه در روز) (۱۷٪ از کل) به خود اختصاص داده است.

شکل (۲) صادرات نفت خام عراق بر اساس تفکیک مشتریان از طریق دریا



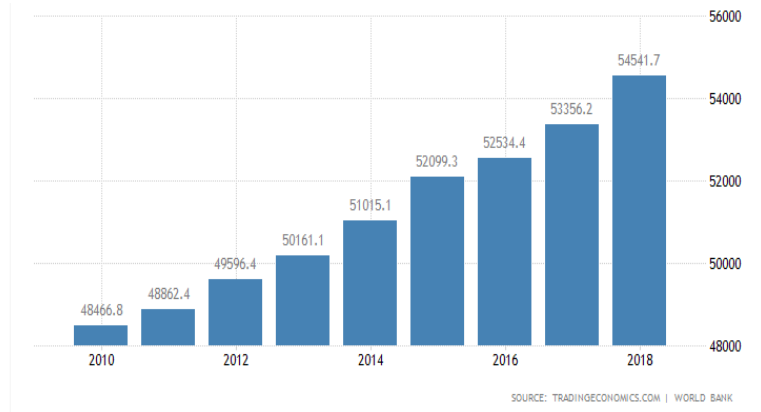
منبع: اداره اطلاعات انرژی آمریکا (ei.a.com)

وزارت نفت عراق بر اساس داده‌های شرکت بازاریابی نفت عراق موسوم به شرکت سومو، میزان تولید نفت خام عراق به ۴/۵ تا ۴/۷۵ میلیون بشکه در روز را در سال ۲۰۱۹ هدف‌گذاری نمود. عراق طی نه ماه در سال ۲۰۱۹ بعد از توافق کاهش سقف تولید اوپک پلاس، سقف تعهد میزان تولید را رعایت نکرده است (پلاتس، ۲۵ سپتامبر، ۲۰۱۹).

۴- وضعیت نفت کشور آمریکا

آمریکا بر اساس تولید ناخالص داخلی (یا تولید ناخالص داخلی سرانه) به‌عنوان اقتصاد بزرگ جهان شناخته می‌شود، نمودار (۲). همچنین جایگاه اولین تولیدکننده و اولین تقاضاکننده نفت جهان متعلق به این کشور است از این رو به‌عنوان یکی از بازیگرهای اصلی بازار نفت محسوب می‌گردد.

نمودار (۲) تولید ناخالص داخلی سرانه آمریکا



منبع: گزارش کشوری بانک جهانی

سیاست‌های ترامپ که منطبق با سیاست حزب جمهوری خواه آمریکا است، سهام‌داری آن‌ها در شرکت‌های نفتی و منافع نهایی دولت آمریکا از معاملات نفتی و نظامی با کشورهای تولیدکننده نفت خام در منطقه، گسترش تولید نفت و گاز این کشور و همچنین افزایش صادرات آن‌ها به بازارهای بین‌المللی را به دنبال دارد. ترامپ توجه چندانی به مسائل زیست‌محیطی نداشته و به جای آن، بر سیاست استقلال انرژی تأکید دارد. یکی از مهم‌ترین اسنادی که می‌تواند دیدگاه جمهوری خواهان را در ارتباط با مسائل حوزه انرژی مشخص سازد، برنامه‌ای است که این حزب در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲ ارائه نموده است. مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که حزب جمهوری خواه در مورد حوزه انرژی در این برنامه عنوان نموده است، عبارت‌اند از:

- استقلال انرژی
- توسعه تولید نفت و گاز در مناطق قطبی و فلات قاره
- مخالفت با سیاست‌های اجباری کنترل انتشار کربن
- ارائه مشوق‌های مالیاتی برای تولید انرژی

در مقابل، کشورهای عضو اوپک از نوامبر ۲۰۱۶ در جهت تعادل در بازار و تثبیت قیمت‌ها تولید خود را کاهش دادند. این در حالی است که آمریکا نیز از فرصت پیش‌آمده استفاده

نموده و بازارهای کشورهای عضو اوپک در آسیا نظیر چین، هند، ژاپن و کره جنوبی را مورد هدف قرار داده است. البته آمریکا نفت شیل (تایت اویل / نفت شیرین) را با اختلاط با نفت سنگین به مصرف داخلی می‌رساند و در مقابل نفت خام‌های ترش خود را به این کشورها صادر نموده است (اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۱، ۲۰۲۰).

همان‌طور که در نمودار (۳) ملاحظه می‌گردد، صادرات نفت خام آمریکا در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال‌های گذشته افزایش قابل‌توجهی داشته که با توجه به رشد صادرات این کشور بیشتر بازارهای کشورهای عضو اوپک را از آن خود نموده است.

نمودار (۳) روند صادرات نفت آمریکا به بازارهای بین‌المللی

طی سال‌های ۲۰۱۸-۱۹۲۰ (میلیون بشکه در روز)

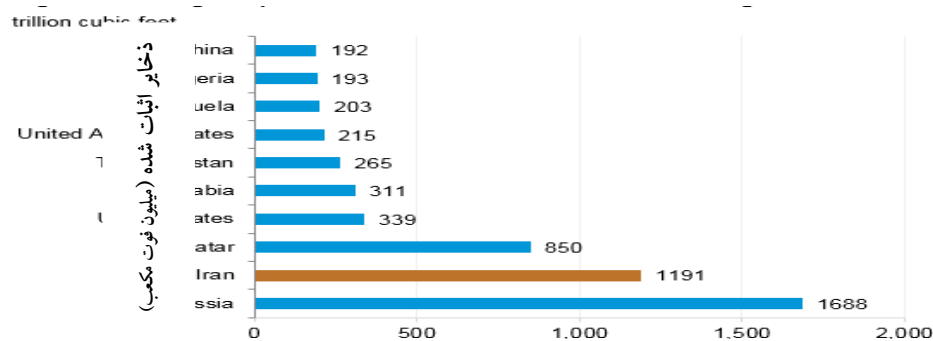


منبع: اداره اطلاعات انرژی آمریکا (ei a.com)

ج- وضعیت نفت کشور ایران

ایران به‌عنوان چهارمین دارنده ذخیره نفت و گاز طبیعی، برخی از بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز طبیعی اثبات‌شده جهان را در اختیار دارد. ایران همچنین در بین ۱۰ تولیدکننده برتر نفت در جهان و ۵ تولیدکننده برتر گاز طبیعی قرار دارد که این امر در نمودار (۴) قابل‌مشاهده است.

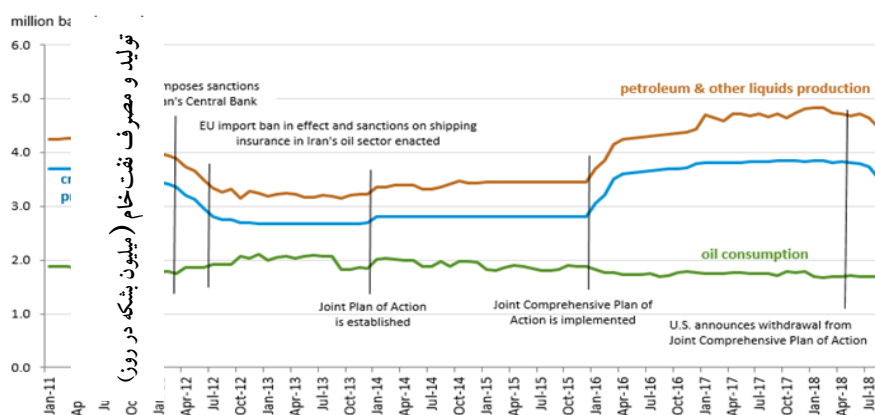
نمودار (۴) بزرگ‌ترین دارندگان ذخیره اثبات‌شده گاز طبیعی ۲۰۱۷



منبع: اداره اطلاعات انرژی آمریکا (eia.com)

ایران در سال ۲۰۱۷ تقریباً ۳/۸ میلیون بشکه در روز نفت خام تولید کرده است. بر اساس تخمین‌های اولیه در ژانویه ۲۰۱۸، کشور ایران دارای حدود ۱۵۷ میلیارد بشکه ذخایر نفت خام اثبات‌شده است که تقریباً ۱۰ درصد از ذخایر نفت خام جهان و حدود ۱۳ درصد از ذخایر ذخیره‌شده توسط سازمان نفت را به خود اختصاص می‌دهد (مجله اوپلاند گاز، ۲۰۱۸). همچنین، روند مصرف و تولید نفت این کشور در نمودار (۵) قابل بررسی است.

نمودار (۵) تولید و مصرف نفت ایران (۲۰۱۱-۲۰۱۸)

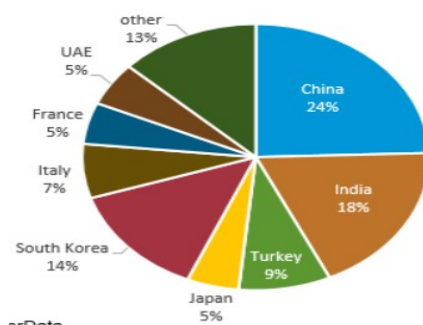


منبع: اداره اطلاعات انرژی آمریکا (eia.com)

بازارهای نفت خام ایران به سه گروه اصلی تقسیم می‌شود: بازار آسیا، مدیترانه و شمال غرب اروپا. مهم‌ترین بازار مشتریان آسیایی ایران عبارت‌اند از: چین، هند و کره جنوبی.

کشورهای یونان، اسپانیا، ترکیه و ایتالیا از مشتریان بازار مدیترانه کشور هستند. بازار شمال غرب اروپا نیز شامل هلند و فرانسه است. میزان صادرات نفت و میعانات نفتی ایران در سال ۲۰۱۷ (قبل از وضع مجدد تحریم‌های نفتی توسط ترامپ) به‌طور متوسط ۲/۵ میلیون بشکه در روز بود که این حدود ۲۰۰ هزار بشکه بیشتر از میانگین سال ۲۰۱۶ است. در سال ۲۰۱۷ چین و هند حدود ۴۳ درصد از کل صادرات ایران را به خود اختصاص داده‌اند و ترکیه و کره جنوبی در طول این سال حجم قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند. نمودار (۳) سهم بازارهای نفت ایران را به تفکیک کشورها نشان می‌دهد.

شکل (۳) بازارهای صادرات نفت خام ایران به تفکیک کشور در سال ۲۰۱۷



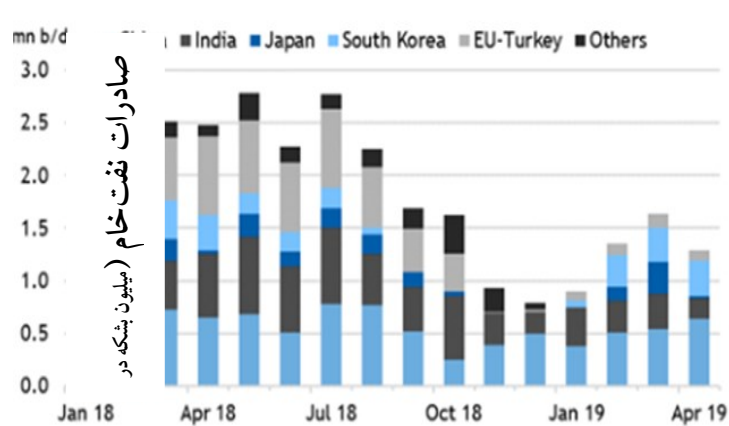
منبع: اداره اطلاعات انرژی آمریکا (eia.com)

صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران در ژوئن سال ۲۰۱۸ به حدود ۲/۷ میلیون بشکه در روز رسید که این میزان حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز بیشتر از میانگین در چهار ماه اول این سال (قبل از اعلام تحریم‌های ماه مه) است. این در صورتی است که در ماه سپتامبر صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران به ۱/۹ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. این روند نزولی صادرات نفت در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ ادامه یافت به‌طوری‌که رقم آن به پایین‌ترین سطح خود رسید. (آرگوس، ۲۰۱۹)

با توجه به خروج ترامپ از برجام و برگشت وضعیت ایران به حالت قبل از برجام، میزان صادرات نفت کشور به کمتر از میزان قبل از مذاکرات هسته‌ای برگشته و امنیت بازارهای نفت ایران را با مخاطرات جدی مواجه ساخته است. تحریم‌های اعمالی در چارچوب عوامل غیر بنیادین، امنیت بازار نفت را تحت تأثیر قرار می‌دهد (گزارش کشوری اداره اطلاعات انرژی

آمریکا، ۲۰۱۸). همان‌طور که در نمودار (۶) ملاحظه می‌گردد، صادرات نفت خام و میعانات گازی کشور بعد از اعمال تحریم مجدد، افت قابل‌ملاحظه‌ای را تجربه نموده است. مهم‌ترین مشتریان نفتی ایران چین و ترکیه و در میعانات گازی کره جنوبی در آوریل ۲۰۱۹ بوده‌اند.

نمودار (۶) روند تغییر میزان صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران در مناطق مختلف جهان



منبع: سایت موسسه آرگوس (Argus.com)

از زمان عدم تمدید معافیت شش‌ماهه خرید نفت ایران به مشتریان توسط دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا با هدف حذف نفت خام ایران از بازار، انتظارات متفاوتی در بازار شکل گرفته است.

تحلیل آثار و پیامدهای وقایع اخیر عراق بر روی بازار نفت

به‌طورکلی هر عاملی که بازار نفت را متأثر می‌نماید یا در قالب عوامل بنیادین (عرضه و تقاضا) یا عوامل غیر بنیادین (روانی) طبقه‌بندی می‌گردد.

• تأثیر ترور سردار سپهبد قاسم سلیمانی و همراهان از طریق عوامل بنیادین

به‌طورکلی می‌توان گفت عوامل بنیادین تأثیرگذار بر بازار، عواملی را شامل می‌گردند که ریشه در صنعت نفت داشته و به‌طور مستقیم مرتبط با مسائل بازار نفت باشد و در نهایت عرضه و تقاضای نفت را تحت تأثیر قرار دهند. این عوامل به‌طورکلی بدین شرح هستند:

وضعیت تقاضای جهانی نفت خام، تغییرات و اختلالات در عرضه جهانی نفت خام، وضعیت رشد اقتصادی، ظرفیت مازاد تولید و... همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، متغیرهای متفاوتی را می‌توان به‌عنوان عوامل بنیادی اثرگذار بر قیمت‌های نفت خام عنوان کرد. این عوامل به‌نوعی می‌توانند منجر به بروز اختلال در روند عادی عرضه و یا تقاضای نفت خام گردیده و از این طریق بر قیمت‌های نفت خام اثرگذار باشند. در اثر این وقایع علیرغم خروج کارکنان خارجی از عراق، هیچ‌گونه اختلالی در عرضه نفت پیش نیامد.. از آنجایی که وضعیت بازار نفت با مازاد عرضه روبه‌رو است، لذا در کوتاه‌مدت، شاهد تأثیر عوامل بنیادین بر روی بازار نفت نبودیم چراکه تولید نفت عراق بعد از این وقایع ادامه داشته و میزان آن تغییر نکرده است. شکل (۹) نشان می‌دهد تنها عواملی منجر به اثرگذاری در بازار می‌گردد که موجب اختلال در تولید یا مصرف نفت شود.

نمودار (۷) تأثیر عوامل اختلال بر روی تولید نفت



منبع: سایت انرژی بلومبرگ (Energy Bloomberg.com)

علاوه بر این، در این دوره و هم‌زمان با این وقایع تمام عوامل بنیادین نظیر عرضه نفت خام در وضعیت مطلوب و حتی بیشتر از تقاضای نفت قرار داشت. این در صورتی است که رشد تقاضای نفت نیز با رشد اندک مواجه بود. بنابراین در مجموع اثرگذاری از این طریق منجر به عدم انتظار افزایش قیمت و حتی اثر منفی، تعدیل‌کننده و کاهنده رشد قیمت از طریق سایر عوامل می‌شود. اما آثار این واقعه بر بازار نفت از طریق عوامل بنیادین در بلندمدت

آشکار می‌گردد. با توجه به تقویت ثبات سیاسی و به تبع آن ثبات اقتصادی در عراق در اثر تلاش‌های گروه‌های مقاومت اسلامی در منطقه، موقعیت صادرات نفت عراق نیز در بازارهای بین‌المللی تثبیت گردید که این امر در تضاد با منافع آمریکا مبنی بر تصاحب سهم بیشتر در بازار نفت است. یکی از اهداف آمریکا از ترور رهبران مقاومت اسلامی بی‌ثباتی در منطقه و تصاحب بازار کشورهای تولیدکننده غرب آسیا است. این موضوع در بخش برنامه پیش‌روی بازار بین‌المللی بررسی می‌گردد.

• تأثیر ترور سردار سپهبد قاسم سلیمانی و همراهان از طریق عوامل غیر بنیادین

عوامل غیر بنیادین مؤثر در بازار نفت به عواملی اطلاق می‌گردند که در عمل منشأ و بروز آن‌ها خارج از صنعت نفت بوده اما به تناسب شرایط می‌توانند بر قیمت‌های نفت خام حتی گاه بیش از عوامل بنیادین نیز اثرگذار باشند. از این جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود: بروز اعتصاب، جنگ، ترور و غیره که موجب اختلال در عرضه نفت می‌گردند. از آنجایی که حادثه اخیر در قالب عوامل غیر بنیادین طبقه‌بندی می‌گردد و این عوامل تنها اثرات روانی و کوتاه‌مدت بر بازار نفت دارد، با شهادت رهبران گروه مقاومت، بازار نفت به صورت موقت قیمت نفت خام را تحت تأثیر عوامل غیر بنیادین (روانی) حدود ۴ دلار در هر بشکه افزایش داد. پس از شهادت سپهبد قاسم سلیمانی، فرمانده ارشد ایرانی در بغداد، ترس از اختلال در عرضه نفت و جنگ در خاورمیانه سبب شد تا قیمت نفت برای اولین بار پس از ماه سپتامبر سال ۲۰۱۸ به ۷۰ دلار در هر بشکه برسد. این در صورتی است که گمانه‌زنی‌ها و انتظارات مبنی بر انتقام جمهوری اسلامی ایران از اقدام تروریستی آمریکا قیمت نفت خام شاخص بازار اروپا را از ۶۵ تا ۷۰ دلار در هر بشکه افزایش داد. طبق اظهارات وزیر نفت امارات، بازار جهانی مبنی بر وضعیت مطلوب عرضه نفت و عدم بروز اختلال در تولید مؤید تأثیرگذاری روانی بازار نفت است. سهیل المرزوعی در خصوص حادثه اخیر اظهار داشت که در حال حاضر نیاز بازار به‌خوبی تأمین شده است و می‌توان اظهار داشت که هیچ‌گونه پیش‌بینی در خصوص کمبود عرضه وجود ندارد مگر اینکه اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ دهد. این در شرایطی است که وضعیت عوامل بنیادین (عرضه و تقاضای نفت) برای رشد قیمت نفت مساعد نیست چراکه اولاً رشد تقاضای نفت (مصرف نفت) در سال جاری در سطح بسیار کمی (۲۰۰ هزار بشکه در روز) برآورد گردیده است (گزارش ماهانه

پلاتس، ۲۰۲۰). به علاوه، اقتصاد مصرف‌کنندگان بزرگ نظیر هند برای افزایش قیمت نفت به بیش از ۶۰ دلار در هر بشکه کشش لازم را ندارد. برخی از تحلیلگران بر این باور بودند که قیمت نفت با توجه به پتانسیل ذخیره‌شده برای جنگ و پاسخگویی به اقدام تروریستی دولت آمریکا، احتمالاً رشد بیشتر از میزان فعلی را تجربه نماید. البته باید به این نکته اذعان نمود که مکانیسم طراحی‌شده در بازار انرژی بورس نفتی و داشتن خاصیت چسبندگی قیمتی از سال ۱۹۹۰ به بعد مانع از رشد شدید قیمت نفت خام گردیده است. زیرا بورس‌های نفتی ریسک‌ها و نگرانی‌های ناشی از اختلال در عرضه نفت را پوشش می‌دهند.

بعد از اقدام تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی ایران و سخنان ترامپ مبنی بر عدم وقوع جنگ مستقیم نظامی میان ایران و آمریکا، افزایش قیمت نفت تعدیل و به سطح قبل از حوادث این منطقه برگشت. لذا در کوتاه‌مدت ابتدا قیمت نفت، مسیر صعودی را طی نمود و بعد از گذشت مدتی بورس‌های نفتی با توجه به شکل‌گیری انتظارات بازار مبنی بر عدم وقوع جنگ، قیمت‌ها تعدیل و به سطح قبلی خود کاهش یافت. در خصوص خروج کارکنان آمریکایی برخی از شرکت‌های حاضر در عراق نیز باید یادآوری نمود شرکت‌های بین‌المللی برای توسعه هر میدان، قرارداد انعقاد نموده و بر روی آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند، دولت عراق موظف به اجرای تعهدات قراردادی بر روی میادین نفتی در قبال شرکت‌های بین‌المللی است. این در صورتی است که حتی تحریم نیز مانع از اجرای قرارداد نمی‌گردد. و خروج کارکنان آن‌ها موقتی بوده است. از سوی دیگر منافع آمریکا برای تسلط بر روی منابع انرژی در کشور عراق به‌عنوان دومین تولیدکننده نفت اوپک مانع از خروج شرکت‌های آمریکایی فعال در عراق می‌گردد.

لازم به یادآوری است که شرکت‌های بین‌المللی زیادی در توسعه میادین نفتی عراق در حال فعالیت هستند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

جدول (۱) شرکت‌های بین‌المللی حاضر در عراق

ردیف	شرکت‌های فعال	کشور	میدان نفتی
۱	Gaz, Lukoil و Bashneft Prom	روسیه	بلوک ۱۲، میدان قرنه غربی ۲، بلوک ۱۰، میدان نفتی بدرا
۲	BP	بریتانیا	رمیله و کرکوک

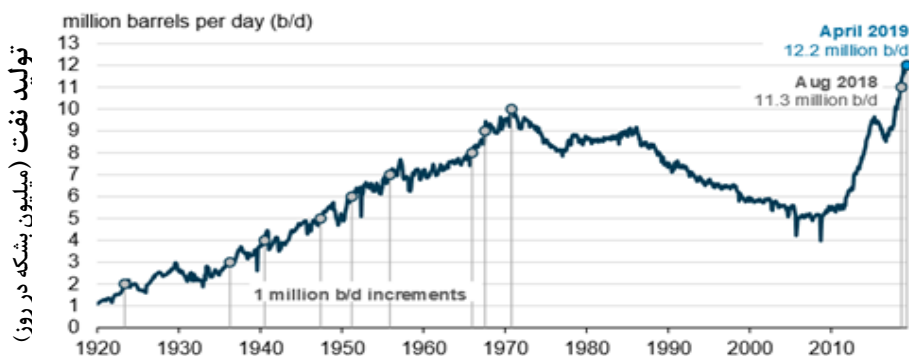
ردیف	شرکت‌های فعال	کشور	میدان نفتی
۳	PetroChina.CNOOC و CNPC	چین	میسان، میدان قرنه غربی ۱، الاهداب، رميله و هلفيا
۴	Dragon Oil	دوبی	بلوک ۹
۵	EGPC	مصر	سیبا و بلوک ۹
۶	Eni	ایتالیا	زیر
۷	ExxonMobil	آمریکا	قرنه غربی ۱
۸	Inpex و Japex و Itochu	ژاپن	میدان قرنه غربی ۱ در سال ۲۰۱۶ سهام شل را خرید و الغراف و بلوک ۱۰
۹	Kogas	کره جنوبی	منصوریه، بدر، زیر و عکاس
۱۰	Pertamina	اندونزی	میدان قرنه غربی ۱ (۱۰٪ سهام از ExxonMobil خریداری کرد)
۱۱	Petronas	مالزی	بدر، الغراف، هلفیا
۱۲	Premier Oil	انگلستان	بلوک ۱۲
۱۳	Total	فرانسه	هلفیا

منبع: سایت بیزنس عراق (iraq-businessnews.com)

• برنامه آمریکا در حوزه نفت گاز و اهداف آن در بازار بین‌المللی بعد از شهادت سپهبد سلیمانی و همراهان

گروه‌های مقاومت، منافع آمریکا در غرب آسیا را طی سالیان گذشته در بخش‌های مختلف عراق به‌ویژه در حوزه اقتصاد به مخاطره انداخته بودند. مقابله گروه‌های مقاومت با داعش و تلاش برای برگرداندن ثبات و منافع اقتصادی به‌ویژه دوره انرژی آمریکا را با خطر مواجه ساخته است. آمریکا از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۹ تولید نفت خام خود را از ۵ به ۱۳ میلیون بشکه در روز رسانده است. روند تولید نفت آمریکا در نمودار (۸) مشاهده می‌شود.

نمودار (۸) روند تولید نفت آمریکا در سال‌های (۱۹۷۰-۲۰۱۹)



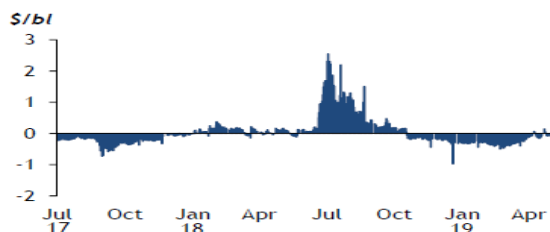
منبع: اداره اطلاعات انرژی آمریکا (eia.com)

علاوه بر سیاست اصلی ترامپ در مورد انرژی مبنی بر خودکفایی انرژی، استقلال انرژی و کاهش وابستگی به تولید نفت کشورهای عضو اوپک از جمله عراق، استفاده از فضای روانی علیه اوپک است. دولت جمهوری خواه کنونی به اندازه دموکرات‌ها تسلط کافی بر بازارهای مالی ندارند، اما با توجه به روحیه جنگ طلبی و ایجاد تنش، سعی دارند تا با تغییر ساختار بازار از کانتانگو به بک واردیشن^۲ (تفاضل قیمت اسپات و آتی نفت) از قیمت‌های بالای نفت منتفع گردند. همان‌طور که در نمودار (۹) مشاهده می‌شود بیشتر مواقع ساختار بازار نفت در وضعیت رو به عقب قرار داشته است. برای مثال رئیس‌جمهور فعلی آمریکا با توثیت نمودن در خصوص اوپک سعی در ایجاد فضای روانی علیه اوپک داشته و در صدد کنترل بازار بوده است (گزارش ماهیانه آرگوس، ۲۰۱۷).

نمودار (۹) وضعیت ساختار بازار نفت خام شاخص بازار آمریکا

(ارتباط قیمت اسپات و آتی نفت خام شاخص)

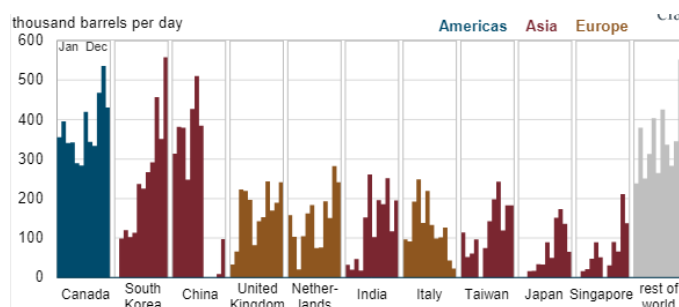
وضعیت ساختار بازار نفت (دلار در هر بشکه)



منبع: سایت موسسه آرگوس (Argus.com)

لازم به یادآوری است که آمریکا هم‌زمان با نقش تولیدکننده اول جهان، نقش اولین مصرف‌کننده جهان در بازار بین‌المللی نفت را نیز بازی می‌کند. بر اساس برنامه انرژی آن، این کشور در تلاش است تا سال ۲۰۲۵ به سطح تولید ۱۹ تا ۲۰ میلیون بشکه نفت خام در روز برسد و این در صورتی است که علاوه بر تولید نفت خام، بر اساس پروژه گاز مایع^۳، آمریکا احتمالاً درصدد تصاحب جایگاه تولیدکننده گاز مایع نیز است. سؤال اساسی آن است که این افزایش تولید نفت خام برای کدام بازارها در نظر گرفته شده است؟ اولین پاسخ به این سؤال، تصاحب بازارهای ایران و ونزوئلا از طریق استفاده از ابزار تحریم است. در این راستا آمریکا از سال ۲۰۱۹ - ۲۰۱۷ توانسته بخشی از بازارهای چین، هند، کره جنوبی و ژاپن را از آن خود نماید. این در صورتی است که تولید کنونی نفت آمریکا حدود ۱۳ میلیون بشکه نفت در روز است. موارد یادشده در مورد صادرات نفت آمریکا به بازارهای کشورهای ایران، ونزوئلا و عراق در نمودار ۱۰ قابل ملاحظه است. ذکر این نکته از این نظر حائز اهمیت است که حجم زیادی از نفت خام‌های تولیدی اوپک از نوع نفت خام‌های ترش بوده که با کاهش حجم تولید نفت این سازمان، مشتریان آسیایی درصدد تأمین نفت خام ترش موردنیاز خود از سایر کشورها نظیر آمریکا هستند. به‌علاوه، فاصله قیمتی نفت خام شاخص بازار اروپا (برنت) با نفت خام آمریکا (وست تگزاس ایترمدیت)، نیز باعث افزایش تمایل مشتریان آسیایی برای خرید انواع نفت خام‌های آمریکا شده است، چراکه سیستم قیمت‌گذاری بسیاری از اعضای اوپک تابع قیمت نفت خام برنت است. ایران در تحریم‌های اعمالی در سال ۲۰۱۲ در حوزه‌های فروش نفت و بیمه محموله‌های نفتی، (حوزه بانکی و مالی) مورد هدف قرار گرفت و اساساً چارچوب این تحریم‌ها، فروش نفت خام و درآمدهای نفتی ایران را تحت تأثیر شدید قرار دادند، به‌طوری‌که تمرکز این تحریم‌ها بر بازدارندگی کشورهای عضو اتحادیه اروپا و نیز منطقه آسیا از هرگونه خرید و فروش نفت خام و فرآورده‌های نفتی از ایران بوده است.

نمودار (۱۰) نمودار میزان صادرات ماهانه نفت خام آمریکا به بازارهای مختلف در سال ۲۰۱۸ (واحد هزار بشکه در روز)



منبع: اداره اطلاعات انرژی آمریکا (eia.com)

در مقابل، علیرغم روند صعودی تولید نفت آمریکا، کاهش تقاضای داخلی سوخت‌های فسیلی و تبدیل آن به عنوان صادرکننده خاص نفت خام از اهمیت ویژه‌ای برای این کشور برخوردار است. از سوی دیگر، تحریم نفت ایران و ونزوئلا و حذف نفت این کشورها از بازارهای بین‌المللی به تنهایی برای نفت آمریکا کافی نیست (اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۱۲، ۲۰۱۹). هدف آمریکا کسب بازارهای جدید و خارج نمودن نفت برخی از کشورهای عضو اوپک است. در این میان، عراق تنها کاندید باقی‌مانده - که در زمره هم‌پیمانان آمریکا محسوب نمی‌شود - برای کاهش سهم بازار نفت است. آمریکا از نظر تقاضای نفت نیازی به تولیدکنندگانی نظیر عراق نداشته و در تلاش برای جایگزین نمودن کشورهای غیر عضو اوپک به عنوان تأمین‌کنندگان نفت آمریکا به جای اعضای اوپک است. این در حالی است که علیرغم عدم نیاز آمریکا به نفت عراق، انتظار می‌رود حضور آن به منظور کنترل نفوذ چین و روسیه در منطقه و همچنین محدود نمودن دسترسی آن‌ها به منابع نفت و گاز عراق، افزایش یابد. بنابراین انتظار می‌رود پس از تحولات اخیر، حضور و نفوذ آمریکا در عراق بیشتر شود. بنابراین، مهم‌ترین برنامه آمریکا در حوزه نفت و گاز بعد از تحولات اخیر (ترور سپهبد حاج قاسم سلیمانی و همراهان) ناامن سازی تأسیسات نفتی عراق است. در سال‌های گذشته و حتی در دوره جنگ عراق تأسیسات نفتی این کشور ناامن نبوده است. راه‌های اجرایی نمودن برنامه احتمالی آمریکا در دوره جدید جهت ایجاد ناامنی در بخش تأسیسات نفتی از طرق مختلف نظیر موانع تکنولوژیکی، عملیات غیرمستقیم نظامی و اعتصابات و تنش‌های اجتماعی در صنعت نفت عراق و... است.

نتیجه‌گیری

آمریکا به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی بازار نفت، درصدد کنترل منابع نفت و گاز در منطقه به‌ویژه در عراق بوده است. از سوی دیگر تلاش رهبران مقاومت اسلامی به‌ویژه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در سال‌های گذشته در راستای انسجام کشورهای منطقه و به‌ویژه شکست سیاست‌های ناامن‌سازی توسط داعش و استقلال منابع نفتی کشورهای منطقه غرب آسیا از داعش، در تضاد با منافع آمریکا در حوزه سوخت‌های فسیلی بوده است. ابعاد ترور رهبران مقاومت اسلامی در حوزه نفت و گاز را می‌توان در قالب عوامل بنیادین و غیر بنیادین تحلیل نمود. از آنجاکه ترور رهبران مقاومت اسلامی هیچ‌گونه اختلال کوتاه‌مدتی بر روی عرضه و تقاضای نفت نداشته است، اما آثار این واقعه بر بازار نفت از طریق عوامل بنیادین در بلندمدت آشکار می‌گردد. با توجه به تقویت ثبات سیاسی و به‌تبع آن ثبات اقتصادی در عراق در اثر تلاش‌های گروه‌های مقاومت اسلامی در منطقه، موقعیت صادرات نفت عراق نیز در بازارهای بین‌المللی تثبیت گردید که این امر در تضاد با منافع آمریکا مبنی بر تصاحب سهم بازار نفت است. سیاست ترامپ مبنی بر تحریم مجدد صنعت نفت ایران در قالب عوامل غیر بنیادین در تلاش برای توسعه بازار نفت خود و تصاحب بازارهای نفت کشور بوده است. در این ارتباط، در سال ۲۰۱۸، آمریکا توانسته سهم خود را در بازارهای مهم چین و هند گسترش دهد. همچنین، سیاست دولت کنونی آمریکا مبنی بر توسعه تولید نفت شیل در قالب عوامل بنیادین توانسته بازارهای بین‌المللی را متأثر و در نتیجه درصدد توسعه بازارهای نفت خود است. برنامه‌های مقابله دولت فعلی آمریکا با اوپک از طریق عوامل بنیادین و غیر بنیادین به ترتیب از طریق استقلال انرژی، رشد تولید نفت خود و تحریم نفت ونزوئلا و ایران در راستای تضعیف اوپک به‌عنوان یکی از سازمان‌های بازیگر در بازار نفت است. به‌علاوه، تحریم نفت ایران از سوی آمریکا و اختلاف تجاری چین و آمریکا پنجره‌ای برای توسعه صادرات نفت ایران و عراق و روسیه به چین باز نموده است. بنابراین، یکی از مهم‌ترین راهبردهای ترامپ افزایش معاملات نفتی با کشورهای تولیدکننده نفت خام در خاورمیانه، افزایش تولید نفت و گاز آمریکا و صادرات آن‌ها به بازارهای بین‌المللی است. کاهش تولید کشورهای عضو اوپک از نوامبر ۲۰۱۶ در جهت تعادل در بازار و تثبیت قیمت‌ها همراه با اعمال فشارهای آمریکا از طریق تحریم‌های فروش نفت ایران در بازار آسیا (مهم‌ترین بازارهای آسیا، شامل چین، هند، کره جنوبی و ژاپن) منجر به کاهش سهم صادرات نفت ایران

به این منطقه شده است. یکی دیگر از کانال‌های اثرگذاری بر روی بازار نفت از طریق عوامل غیر بنیادین (روانی) است. در این راستا، بازار نفت موقتاً قیمت نفت را در روز حادثه و روزهای بعدازآن با توجه به شکل‌گیری انتظارات ایجاد درگیری نظامی در منطقه میان ایران و آمریکا رشد فراوانی را تجربه نمود اما پس از اقدام تلافی‌جویانه ایران در پاسخ به ترور رهبران گروه مقاومت اسلامی و صحبت‌های رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر عدم تمایل جنگ با ایران قیمت‌ها مجدداً به سطح قبلی خود برگشت.

در این میان، برنامه انرژی آمریکا بر توسعه نفت و گاز این کشور و تبدیل آن به یکی از صادرکنندگان خالص بازار، بعد از حذف نفت ایران و ونزوئلا با استفاده از ابزار تحریم است و در مرحله بعد اولین کشوری که کاندید حذف از بازار و تصاحب سهم بازار آن توسط آمریکا، کشور عراق است. یکی از موانع پیش روی آمریکا برای تحقق هدف مذکور مقاومت اسلامی بوده است. تا قبل از تحولات اخیر غرب آسیا (ترور رهبران مقاومت اسلامی) تأسیسات نفتی عراق ناامن نبوده درحالی‌که برنامه آمریکا در بازار بین‌المللی درصدد کسب سهم بازار کشور عراق با توجه به رشد تولید نفت آن به حدود ۱۹ میلیون بشکه در روز و کاهش مصرف سوخت فسیلی است.

تقویت روابط عراق و ایران با توجه به داشتن مخازن مشترک نفت و گاز از طریق سرمایه‌گذاری مشترک دوجانبه یا سه‌جانبه برای صادرات نفت از طرق مختلف به‌ویژه خطوط لوله ایران بسیار مهم و کلیدی است. در این راستا، قراردادهای توسعه میدان و فروش نفت خام بلندمدت با توجه به حجم بالای سرمایه‌گذاری‌های آن عاملی در حفظ امنیت بازارهای بین‌المللی کشورهای غرب آسیا و بی‌اثر نمودن تحریم‌های غرب در حوزه نفت و گاز است. می‌توان با اجماع سازی میان تولیدکنندگان اوپک در منطقه با رایزنی‌های سیاسی به‌عنوان ابزاری برای کنترل قیمت نفت و تعدیل کسری بودجه ناشی از افت قیمت نفت استفاده نموده و از این طریق محاسبات ترامپ برای حفظ قیمت نفت در دامنه‌ای مطلوب را برهم زد. قیمت نفت بیش از ۷۰ دلار در هر بشکه با توجه به مصرف بالای نفت آمریکا تبعات منفی برای رفاه مصرف‌کنندگان آن کشور را به همراه دارد. از طرفی قیمت نفت پایین‌تر از ۵۰ دلار منافع تولیدکنندگان نفت شیل این کشور را برهم می‌زند. در این راستا تولیدکنندگان با اجماع می‌توانند سیاست‌های نامطلوب تحمیلی آمریکا را تعدیل نمایند. تمرکز سیاست صادرات نفت کشورهای غرب آسیا به‌ویژه عراق و ایران در مورد مصرف‌کنندگان بزرگ نظیر چین با

توجه به اختلافات تجاری اخیر پیش آمده آن با آمریکا امنیت پایدار تقاضای نفت با توجه به عدم تضاد منافع چین با رویکرد مقاومت اسلامی نقش بسزایی در حفظ بازارهای نفت ایفا می نماید. ضمن اینکه اختلاف تجاری آمریکا با چین و تحریم های نفتی روسیه و ونزوئلا این امیدواری را ایجاد می کند که این کشورها به دلیل مناسبات یک جانبه آمریکا با طرف های قرارداد خود، سایر کشورهای دنیا را به تلاش برای کاهش روابط تجاری خود و یا مقابله با سیاست های آمریکا قرار دهند که این امر می تواند روابط تجاری ایران را با کشورهای یادشده، گسترش دهد. همچنین، کشورهای عراق و جمهوری اسلامی ایران نیز می توانند با رویکرد مقاومت اسلامی تهدیدات غرب به ویژه آمریکا برای تصاحب سهم بازار آن ها با ایجاد شبکه ای با سایر مصرف کنندگان را بی اثر نمایند.

با توجه به عوامل مختلف مؤثر بر عرضه و تقاضای آتی از طریق توسعه میادین نفت اعم از میادین مرسوم و غیر مرسوم به نظر می رسد که در آینده از طریق افزایش تولید نفت خام در آمریکا و خاورمیانه بازار با مازاد عرضه روبرو خواهد شد؛ لذا با توجه به سیاست های دولت ترامپ با طرف های تجاری به هر حال ایران می بایست آمادگی خود را با هر اتفاقی حفظ کند. همچنین در شرایط کنونی استفاده از فروش نیابتی نفت خام کشور از سوی کشورهای همسایه که دارای روابط سیاسی و اقتصادی مناسب می باشند می تواند به عنوان یک راهبرد کلیدی در جهت حفظ میزان صادرات کشور باشد. ایجاد منافع مشترک با عراق در حوزه صادرات نفت از طریق ایجاد شرکت های مشترک برای حفظ سهم بازار نفت ایران و عراق به منظور مقاومت در مقابل تلاش های آمریکا برای تصاحب سهم بیشتر بازار نفت از موضوعات مهم است. فعال نمودن دیپلماسی انرژی عراق با استفاده از تقویت گروه مقاومت اسلامی به منظور ایجاد ثبات در منطقه بسیار حائز اهمیت است برقراری دیپلماسی فعال با کشورهای آسیایی که عمده تاً این کشورها در مقابل تحریم ها مقاومت کرده اند، جذب سرمایه گذاری کشورهای آسیایی بوده و با این راهبرد اختلالات و بی ثبات سازی و ناامن سازی تأسیسات نفتی در عراق از طرق مختلف نظیر اختلالات تکنولوژی را جبران نموده است. انتقال نفت از طریق خطوط لوله از عوامل تأمین امنیت تقاضای نفت به کشورهای همسایه در قالب سرمایه گذاری مشترک را به همراه داشته و به خاطر همین تحریم ها تأثیری روی قراردادهای انتقال نفت و گاز از طریق خطوط لوله ندارد. بر این اساس می توان همکاری مشترک ایران و عراق در میادین مشترک نفت و گاز یکی از سیاست های راهبردی خود را در

حیطه حمل نقل، انتقال نفت و گاز از طریق قراردادهای بلندمدت و خطوط لوله در نظر گرفت. افزایش نقش شرکت‌های بین‌المللی در عراق که از نظر روابط سیاسی با گروه‌های مقاومت اسلامی در منطقه تقابل ندارد، از استراتژی این کشور برای به دست آوردن فناوری یا دسترسی به شبکه صادرات نفت آن‌ها است. به علاوه وابسته‌سازی نفت مورد نیاز کشورهای همسایه و حتی منطقه خاورمیانه و اروپا برای استفاده از نفت و گاز به عنوان اهرم قدرت از راهبردهای اصلی برای کشورهای عراق و ایران است.

-
1. El- Chaarani, Ani
 2. Cantango & Backward
 3. LNG

کتاب‌نامه

۱. داوند، حجت. داوند، محمد و اسلامی، محسن (۱۳۹۷). «تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا»، *مجله مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۲۵، صص ۷۹-۹۹.
۲. درخشان، مسعود (۱۳۷۹). «نگاهی بر اقتصاد سیاسی نفت، حوزه و دانشگاه»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۶(۲۴-۲۵)، صص ۲۰۰-۱۸۸.
۳. درخشان، مسعود (۱۳۹۱). «امنیت انرژی و تحولات آینده بازارهای نفت و گاز»، *فصلنامه راهبرد*، ۲۱(۶۴)، صص ۱۸۸-۱۵۹.
۴. دان راویو، یوسی ملمن (۲۰۱۲). *جاسوسان علیه آخرالزمان*، ترجمه میرمطهری، تهران: اطلاعات.
۵. رفیع، حسین (۱۳۹۳). «تحول نقش نفت در تقابل سیاسی خاورمیانه اسلامی و غرب»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۳(۹)، صص ۶۰-۳۵.
۶. شافریتز، جی. ام؛ کریستوفر بریک (۱۳۹۰). *سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده*، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۷. شاه ولی بر، عبدالکریم (۱۳۹۵). «علل و ابعاد تصاعد بحران در غرب آسیا پس از تحولات بهار عربی» (با تأکید بر نظریه برخورد تمدنی ساموئل هانتینگتون)، *ماهنامه پژوهش ملل*، ۱(۱۲)، صص ۱۳-۱.
۸. صفوی، حمزه و خاکسار، علی محمد (۱۳۹۷). «تحلیل تأثیر داعش بر معادلات سیاسی-امنیتی خاورمیانه»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۳۳(۱)، صص ۵۰-۳۹.
۹. طاهری فرد، علی. اخوان، مهدی و برامکی، حجت‌الله (۱۳۹۴). «بررسی نقش عراق در تحولات آتی بازار جهانی نفت»، *نشریه علمی سیاست‌نامه علم و فناوری*، ۵(۴)، صص ۸۰-۶۱.
۱۰. عمادی سید رضی (۱۳۹۶). *بلوک ۹، عامل تنش ژئوپلیتیک میان بیروت و تل‌آویو*، سایت معاونت سیاسی آجا، قابل دسترسی در آدرس زیر:
<http://siasia.aja.ir/Portal/home/?news/105568/105662/1496422>
۱۱. کارل، تریلین (۱۳۹۰). *معمای فراوانی؛ رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی*، ترجمه: ج. خیرخواهان، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

۱۲. محمدی، حمیدرضا و میکامه، ایمان، (۱۳۹۲). «تأثیر نفت بر حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس»، پژوهش‌های دانش زمین، ۴(۱۴)، ص ۴۶.
۱۳. مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۱). سیاستگذاری اقتصادی؛ مدل، روش و فرایند، تهران: انتشارات رخداده نو.
۱۴. مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۴ ب)، «سیاستگذاری اقتصاد سیاسی نفت و تحریم‌های بین المللی ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۰(۳)، ۱۷۱-۲۰۰.
۱۵. هوشنگی، حمید. (۱۳۸۷). «چالش نفتی ایران انقلابی با غرب، ماهنامه زمانه»، ۶۹، صص ۶۸-۶۳.

16. Blank, L.R. (2012), Targeted strikes: The consequences of blurring the armed conflict and self-defense justifications. William Mitchell Law Review. 38(5), pp. 1655-1700.

17. Blomberg, Brock & Hess, Gregory & Jackson, J.hunter (2009), *Terrorism and the returns to oil*, Economics & Politics, 21(3), pp. 409-432.

18. Blum, G. & Heymann, P. (2010), *Law and policy of targeted killing*. Harvard National Security Journal. 1, pp. 145-170.

19. Dizaji, S.F. (2019), The potential impact of oil sanctions on military spending and democracy in the Middle East, ISS Working Papers (644), International Institute of Social Studies of Erasmus University Rotterdam (ISS), The Hague.

20. El-Chaarani, Hani(2019), *Arab Spring in Gulf Cooperation Council Economies*. International Journal of Energy Economics and Policy, 9(4), pp. 214-223.

21. Farhat, T. (2010), *The year of the drone misinformation*. Small Wars & Insurgencies. 21(3), pp. 529-535

22. Ebinger, C. (2007), *About the Energy Security Initiative*, Booking Institution, Washington DC.

23. Kaufmann & Robert, K. (2011), The role of market fundamentals and speculation in recent price changes for crude oil, Energy policy, 39(3), 105-115.

24. Maghyreh, Aktham I. Awartani, Basel.Sweidan, Osama. (2019). *Oil price uncertainty and real output growth: new evidence from selected*

oil-importing countries in the Middle East. Empirical Economics, 56(5), 1601-1621.

25. Pindyck, R.S. (1978a), Gains to Producers from the Cartelization of Exhaustible, Review of Economics and Statistics, Vol. 60, No. 2 (Apr., 1978), pp. 238-251.

26. R.P. Barnidge, Jr., (2012), A qualified defense of American drone attacks in northwest Pakistan under international humanitarian law, Boston University International Law Journal. 30(2), pp. 410-447

27. Scahill, Jeremy (2013), Dirty Wars: The World Is A Battlefield, New York City, New York: Nation Books.

سایت

۱. تحلیل ماهانه بازار نفت خام در بازارهای مختلف، (ژوئن، ۲۰۱۹) برگرفته از سایت
<http://Argus.com>

۲. تحلیل ماهانه بازار نفت خام در بازارهای مختلف، (ژوئن، ۲۰۱۹) برگرفته از سایت
<http://Platts.com>

۳. تحلیل ماهانه بازار نفت خام در بازارهای مختلف، (دسامبر ۲۰۱۸) برگرفته از سایت
<http://eia.com>

۴. تحلیل ماهانه بازار نفت خام در بازارهای مختلف، (دسامبر ۲۰۱۸) برگرفته از سایت
<https://www.ogj.com>

۵. خبرگزاری شانا، (۲۶ خرداد ۱۳۸۳)، آمریکا و ژئوپلیتیک نفت خلیج فارس، قابل دسترسی
در آدرس زیر : <https://www.shana.ir/fa/newsagency/23898>

6. BP, (2017), The Middle East energy market in 2016, BP Statistical Review 2017, available at: <https://www.bp.com/en/global/corporate/energy-economics/statistical-review-of-world-energy/country-and-regional-insights/middle-east.html>

7. Colgan Jeff, (2013), Oil, Conflict, and U.S. National Interests, belfer center, <https://www.belfercenter.org/publication/oil-conflict-and-us-national-interests>

8. EIA, (April 2018), how much Petroleum does the United States import and export?, <https://www.eia.gov/tools/faqs/faq.php?id=727&t=6>

9. Gobat Jeanne and Kostial Kristina, (June 2016), Syria's Conflict Economy, IMF Working Paper, available at: <https://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2016/wp16123.pdf>
10. Gross Samantha, (2017), the 1967 War and the oil weapon, <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2017/06/05/the-1967-war-and-the-oil-weapon/>
11. . Kennedy Robert, (2018), Middle Eastern Wars Have Always Been about Oil, <https://www.globalresearch.ca/middle-eastern-wars-have-always-been-about-oil/5510640>
12. . Rogin Josh, (30 March 2018), in Syria, we took the oil. Now Trump wants to give it to Iran, Washington post, available at: https://www.washingtonpost.com/news/josh-rogin/wp/2018/03/30/in-syria-we-took-the-oil-now-trump-wants-to-give-it-to-iran/?noredirect=on&utm_term=.72a88335ed92